

الکساندر راس و نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم*

نوشته: نبیل مطر

ترجمه: عباس امام

در دهه‌های سی و چهل قرن هفدهم، آبراهام ویلاک (Abraham Wheelock) نخستین استاد زبان عربی دانشگاه کمبریج انگلستان، کار و تحقیق برای چاپ متنی عربی از قرآن را آغاز کرد. هرچند ویلاک هیچ‌گاه موفق نشد کار خود را به پایان برساند، اما تلاش‌های وی نشانگر توجه و علاقه فراوان پژوهشگران انگلیسی نیمه نخست قرن هفدهم به قرآن و زبان عربی از یک سو، و پژوهش‌های خاورشناسی از سوی دیگر است.^۱ در واقع، علاقه برخی محققان انگلیسی به قرآن چنان زیاد بود که در سال ۱۶۴۸ شخصی به نام ساموئل هارتلیب (Samuel Hartlib) - که از اندیشمندان طراز اول زمان خود به شمار می‌آمد - در یکی از

* مشخصات کتابشناختی اصل انگلیسی این مقاله به شرح زیر است:

Alexander Ross and the First English Translation of the Qur'an, by Nabil Matar, in *The Muslim World*, Vol. 88, No. 1, January 1998.

۱. در مورد مطالعات مربوط به زبان عربی و پژوهش‌های قرآنی دوره رنسانس و قرن هفدهم، نگاه کنید به: Karl H. Dannenfeldt, «The Renaissance Humanists and the Knowledge of Arabic», *Studies in the Renaissance* 2 (1955): 96-117. Hartmut Bobzin, «Latin Translations of the Koran: A Short Overview», *Der Islam*, 70 (1993): 193-206 and *Der Koran im Zeitalter der Reformation* (Beirut-Stuttgart, 1995). See also chapter 3 in my *Islam in England: 1558-1685* (forthcoming, Cambridge: Cambridge University Press).

نشریات با عنوان *Ephemerides* توضیح می‌دهد که چگونه دو برادر، یکی سَقَط فروش و دیگری وَرَّاق، تصمیم می‌گیرند قرآن را به طور کامل و به گونه‌ای شایسته و به نحوی به چاپ برسانند که تا آن زمان بی‌سابقه باشد؛ هرچند برآورد می‌کنند که این کار یقیناً به چند هزار پوند هزینه نیاز خواهد داشت.^۱ به همین دلیل، با توجه به کمبود امکانات مالی، چاپ قرآن مورد نظر آن دو برادر عملاً محقق نشد.

در همین زمان، در انگلیس متخصصان دیگری در زمینه زبان و علوم عربی وجود داشتند که آنها نیز دست اندرکار بررسی و کندوکاو در نسخ قرآن و دیگر دستنوشته‌های موجود در کتابخانه‌های دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج بودند. از جمله این افراد باید از جان گرگوری (John Gregory, 1607-1646)، از دانش‌آموختگان دانشگاه آکسفورد، نام برد که برای افزایش اطلاعات خود در مورد تفسیر متون و عبارات کتاب مقدس کوشید تا از مجموعه

رو به گسترش دستنویس‌های شرقی موجود در کتابخانه بادلیان (Bodleian) بهره‌برداری کند. وی در یکی از آثار خود که پس از مرگش با عنوان «مجموعه آثار فاضل گرامی عالی جناب جان گرگوری از اجله علمای کلیسای مسیح» (*The Works of the reverend and learned Mr. John Gregory Master of Arts of Christ's Church*) به چاپ رسید، با قاطعیت به خوانندگان کتاب خود اعلام کرد که سندیت متن قرآن نسبت به انجیل قابل اعتمادتر بوده، و همچنین

۱. نگاه کنید به:

The Hartlib Project, HP, 31/22/39 b. *Ephemerides* 1648. Part 3, 1648 (January / July-December).
 هارتلیب در ادامه چنین می‌گوید: «ممکن است گراور و چاپ قرآن به صورتی که پیش از این سابقه نداشته، نهایتاً از طریق بازرگانان در دسترس ترکها قرار گیرد و طبعاً رديه‌های بسیاری نیز بر آن نوشته شود. اما در هر صورت، چاپ قرآن به این صورت نیازمند چند هزار پوند سرمایه خواهد بود».

□ الکساندر راس و نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم ۴۷ □

اظهار داشت چنانچه اصل متن عربی قرآن (و نه ترجمه انگلیسی آن) مورد بررسی قرار گیرد، از بقیه دقت ورزی های کلامی سربلند بیرون خواهد آمد. وی در ادامه با به چالش کشیدن هرچه بیشتر خوانندگان مسیحی خود که پذیرش این اطمینان برای آنها گران می آمد، به صراحت اعلام نمود که بر خلاف کتاب مقدس، که مطالب آن به دو دسته «منصوص» (canonical) و «مجعول» (apocryphal) تقسیم می شوند، در قرآن مطالبی تحت عنوان «مجعولات» یا «جعلیات» وجود ندارد.^۱ به گفته گرگوری، مستندات قرآن در مقایسه با مطالب مشابه در کتاب مقدس دچار مشکلات کمتری بوده، و همچنین نحوه انتقال مطالب و صحت آنها در نص قرآن نیز دستخوش مشکلات کمتری گردیده است. گرگوری در ادامه مطالب خود چنین اظهار نظر می کند: «به هیچ وجه نمی توان مدعی اعجاز اصالت و دست نخوردگی متن کتاب مقدس شد، در صورتی که در مورد قرآن می دانیم این کتاب از سرنوشت بهتری برخوردار بوده است».^۲ همچنین به گفته وی سبک عهد جدید، سبک مناسبی است، ولی این سبک به اندازه سبک قرآن تحسین برانگیز نیست، و هرچند ارزش اصلی عهد جدید ناشی از قداست و حیاتی آن قلمداد شده، ولی در هر حال باید اعتراف کرد که سبک بیان آن نسبت به بسیاری از دیگر آثار نوشتاری در سطح پایین تری قرار دارد. وی توصیه می کند برای این منظور «بن سایرا» (Ben Syra) «و امثله قرون اعراب» (Arabick Centuries of Proverbs) را بخوانید و بعد آنها را با متن قرآن مقایسه کنید،^۳ و دست آخر این گونه نتیجه گیری می کند که متن قرآن در مقایسه با کتاب مقدس دارای اشکالات کمتری است.

چه بسا تجلیل گرگوری از قرآن مجید، بر نویسندگان و متکلمان مسیحی عصر خود (که اصالت و اعتبار کتاب مقدس را خدشه ناپذیر می دانستند) اظهار نظری تحریک آمیز به نظر آمده باشد و اتفاقاً چند سال پس از این موضوع، و احتمالاً در واکنش به همین تحسین های

۱. نگاه کنید به:

The Works of the reverend and learned Mr. John Gregory Master of Arts of Christ's Church, Oxon: in two parts (1665,1671, 1684) a3v.

۲. همان، b2v.

۳. همان، b3v.

جان گرگوری نسبت به قرآن کریم، الکساندر راس (۱۵۹۲-۱۶۵۴) اقدام به انتشار نخستین ترجمه انگلیسی قرآن نمود. برای او که شاعر، مورخ ادیان، از علمای جدلی اهل اسکاتلند و نیز از دست اندرکاران پژوهش در مورد تاریخ ادیان و جهان به شمار می‌آمد، یکی از کتابهای راس، در واقع تکمله کتاب جهان اثر والتر رالی (Walter Raleigh) است یقیناً قرآن سندی حایز اهمیت به حساب می‌آمد. به گفته خود وی، او پس از مشاهده ترجمه‌های لاتین، ایتالیایی، فرانسوی و دیگر ترجمه‌های قرآن به زبانهای اروپایی^۱ اقدام به ترجمه قرآن به زبان انگلیسی کرد و در ماه مارس سال ۱۶۴۹ ترجمه خود را به چاپ رساند. عنوان کامل این ترجمه به این ترتیب بود: قرآن محمد، ترجمه عربی به فرانسوی به قلم آقای دوریه از صاحب منصبان ماله زاییر (Malezair) و از خدمتگزاران پادشاه فرانسه در اسکندریه: ترجمه جدید انگلیسی جهت رضایت خاطر تمامی علاقه‌مندان آشنایی با یاوه‌گویی‌های ترکها. این ترجمه در واقع نخستین ترجمه انگلیسی کامل متن قرآن بود که تا ربع دوم قرن هجدهم تنها نسخه معادل کل متن عربی قرآن برای همگان به حساب می‌آمد.

راس با زبان عربی آشنایی نداشت و به همین دلیل در ترجمه خود به طور کامل بر ترجمه فرانسوی آندره دوریه (حدوداً ۱۶۶۰-۱۵۸۰) متکی بود. باید خاطر نشان ساخت که دوریه چندی به عنوان قنصل فرانسه در مصر خدمت کرده بود. ترجمه قرآن فرانسوی وی که براساس متن اصلی عربی قرآن صورت گرفته بود، در سال ۱۶۴۷ در پاریس و با این عنوان به چاپ رسیده بود:

L'Alcoran de Mahomet translate d'Arabe en François, par le Sieur du Ryer Sieur de la Garde Malezair.

«قرآن محمد، ترجمه از عربی به فرانسه توسط آقای دوریه از صاحب منصبان ماله زاییر».

۱. نگاه کنید به:

The Alcoran of Mahomet (London, 1649), A2r

در این چاپ هیچ گونه اطلاعاتی در مورد ناشر ارائه نشده است. ترجمه فرانسوی دوریه از شهرت فراوانی برخوردار بود، و حتی تا قرن هجدهم چندین بار به چاپ رسید، و در سال ۱۶۸۸ از روی همین ترجمه، ترجمه‌ای آلمانی نیز صورت گرفت و انتشار یافت.

□ الکساندر راس و نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم ۴۹ □

از آنجا که این ترجمه به لطف پادشاه، لویی چهاردهم صورت گرفته بود (چرا که در جایی از متن مقدمه می‌خوانیم «به لطف مقام منبع سلطنت»)، در نتیجه راس نیز که از وابستگان چارلز اول پادشاه انگلستان به شمار می‌آمد و از جانب چارلز به مقام خلیفه‌گری منطقه کارسن بروک در جزایر وایت تعیین شده بود، چه بسا گمان کرده او نیز شاید با ترجمه قرآن مورد عنایت پادشاه قرار گیرد.^۱

زمانی که راس ترجمه خود را به پایان رساند، پادشاه از دنیا رفته بود (وی در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۶۴۹ اعدام گردید) و کشور انگلستان به کشوری مردم سالار و جمهوری تبدیل شده بود. راس که در این شرایط سردرگم مانده بود ترجمه خود را نزد مسئول صدور مجوز این گونه امور فرستاد، اما به محض اینکه مقامات متوجه شدند قرآن در انگلستان در حال چاپ شدن است، از طریق یکی از افسران نظامی خود به نام سرهنگ آنتونی ولدون به شورای حکومتی شکایت بردند که «چرا متن قرآن در کشور به چاپ رسیده است». بالتبع شورا نیز بی‌درنگ حکمی برای مأموران خود صادر کرد تا «چاپخانه‌هایی را که اقدام به چاپ قرآن می‌کنند تحت تعقیب قانونی قرار دهند و متنهای چاپ شده و کاغذهای موجود در چاپخانه‌ها را توقیف کنند. ضمناً مسئول چاپخانه توقیف، تا در شورای حکومتی محاکمه شود.»^۲ سپس در تاریخ ۲۱ ماه مارس مسئول چاپخانه بازداشت و تمامی نسخه‌های چاپ شده قرآن ضبط شد.^۳ در پی این اقدام، شورا دستور داد قضیه به نحوی پیگیری شود تا صاحب چاپخانه (که در آن زمان در زندان به سر می‌برد) یا آزاد شود و یا در بازداشت بماند. علاوه بر این، شورا امریه‌ای مبنی بر «ممنوعیت چاپ و انتشار این گونه کتابها» صادر کرد و ده روز پس از آن تاریخ، یعنی در ۳۱ ماه مارس، نیز شورا از «راس می‌خواهد تا ماجرای چاپ قرآن را بازگویی کند».^۴

در مورد احکامی که بر علیه راس صادر شد و یا در مورد دلایل مخالفت با چاپ و انتشار

۱. نگاه کنید به زندگینامه الکساندر راس در *D.N.B.*

2. *Journals of the House of Commons*, comp. Timothy Cunningham (London: House of Commons, 1785), VI, 168; *Calendar of State Papers. Domestic Series Commonwealth, 49.50*, ed. Mary Anne Everett Green (London: H.M.S.O., 1878), I, 42.

3. *Journal of the House of Commons*. VI, 170; *C.S.P. Commonwealth*. I. 45.

4. *C.S.P. Commonwealth*, I, 63.

قرآن در انگلستان، در حال حاضر هیچ گونه شواهد مستندی در دست نیست، چرا که انگلستان با امپراطوری عثمانی روابطی دیرپا داشت و حتی در دسامبر ۱۶۴۸ یکی از شوراهاى ارشد آن کشور به نام Council of Mechanics (شورای نطّار) به نفع قانونی معطوف به رعایت تساهل و تسامح نسبت به مؤمنان ادیان دیگر، از جمله مسلمانان، رأی داده بود.^۱ و دلیل این امر نیز افزایش روابط و فعالیتهای تجاری با مسلمانان بود، و در نتیجه همین قانون به مسلمانان (ترک) و یهود اجازه داده شد تا در انگلستان اقدام به داد و ستد تجاری کنند. علاوه بر این، چنان که راس نیز متوجه شده بود، پیش از وی نیز دو نفر به نامهای سامویل پرچس و افرایم پاجت اقدام به انتشار رساله‌هایی در مورد اصول اعتقادی مسلمانان کرده بودند.^۲ صرف نظر از اینکه علل مخالفت مجلس عوام انگلیس با انتشار قرآن چه بوده است، به نظر می‌رسد آن دلایل چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند، چرا که سرانجام در هفتم ماه مه ۱۶۴۹ ترجمه الکساندر راس وارد بازار کتاب گردید.

مطالب مطروحه در مقدمه این ترجمه، تنها سرنخهایی است که از آن طریق متوجه می‌شویم راس چگونه با مسئولان جدید مشترک المنافع برخورد کرده و در حقیقت علت مخالفت آن مقامات با چاپ قرآن ترجمه شده‌ی وی چه بوده است. دلیل این امر نیز این است که راس در مقدمه ترجمه خود دو مطلب یکی با عنوان «یادداشتی برای خواننده» (از مطالب دوریه) و دیگری «خلاصه‌ای از اصول اعتقادی ترکها» نیز اضافه کرده بود، و در کنار این دو نیز، متن دو نامه تحسین آمیز از چندتن از فئوسول‌ها به دوریه را منتشر کرده بود. افزون بر این همه، وی تصویر مجوز «حضرت جلال‌ت مآب» برای مسافرت راس بین فرانسه و امپراطوری عثمانی را به چاپ رسانده بود. البته این دو نامه در ترجمه فرانسه متن وجود نداشت و او قصد داشت با انجام این کار نشان دهد چگونه مسیحیان و مسلمانان دوریه را برای انجام چنین ترجمه‌ای مورد تجلیل قرار داده‌اند. اما از اینها مهم‌تر، راس در مقدمه اثر،

1. Cited in H.S.Q Henriques, *The Return of the Jews to England* (London: Macmillan, 1905), 36.

۲. در باب تصویر اسلام و مسلمانان در دوران رنسانس اروپا مطالعات بسیاری صورت گرفته است که جامع‌ترین آنها منبعی است با این مشخصات:

Samuel C. Chew's, *The Crescent and Rose: Islam and England During the Renaissance* (New York: Octagon Press, 1974, first publ. 1937).

الکساندر راس و نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم (۵) □

خطابه‌ای سه صفحه‌ای با عنوان: «سخنی از مترجم با خوانندگان مسیحی» گنجانده بود که در آن به بهانه قرآن، حکومت جدید مشترک المنافع و سیاست سانسورگری آن را به شدت مورد انتقاد قرار داده بود.

راس از نظر سیاسی به عنوان یک سلطنت طلب و از نظر اعتقادی به عنوان فردی معتقد به اصول اعتقادی کلیسای انگلستان، که همواره با خلوص نیت از اسقف اعظم این کلیسا به نام اسقف اعظم لاد (Laud) و نیز مکتب لادگروی (Laudianism) پیروی می‌کرد، شدیداً نگران شرایط سیاسی مذهبی حاکم بر کشور انگلیس بود. او به فرانسه می‌نگریست و می‌دید در آنجا پادشاهی قدرتمند قبضه امور مذهبی را نیز در دست دارد، ولی در عین حال در آنجا بر خلاف انگلیس، نه پادشاه و نه اسقف اعظم به دست اتباع کشور به قتل نرسیده‌اند. افزون بر این، فروپاشی کلیسای ملی انگلستان باعث سر برآوردن مجموعه زیادی از فرقه‌های دینی و افراد بدعت اندیش جدیدی شده بود که ارتش را تحت سیطره خود درآورده و در بین دیگر اقلشار جامعه نیز نفوذ کرده بودند. اینجا بود که راس - که مذهب این ترکها (=مسلمانان) را نوعی بدعت دینی تلقی می‌کرد - به اتکای حکومت انگلیس علیه این به اصطلاح ملحدان و زنادقه موضع گرفت و در بخش «سخنی با خوانندگان مسیحی» استدلال کرد که چرا یک مشت از بدعت‌گذاران ساکنن وایت‌هال (Whitehall) نمی‌خواهند فرقه ملحد و زندیق دیگری موقعیت آنها را متزلزل کند:

لذا (شما خوانندگان مسیحی این کتاب) هر چند برخی از شما که آگاهانه پایبند مسایل دینی خود نیستید و در این مورد (و در مورد مسائل زندگی و امور فکری شباهت بسیاری به ترکهای مسلمان دارید) ممکن است از انتشار این ترجمه من ناراضی باشید، ولی من اطمینان دارم اگر شما از معتقدان راستین مکتب و مذهب ارتدکس باشید (و خود را از حماقتهای آن گروه دیگر مبرا کنید) در آن صورت انتشار این ترجمه هیچ آسیبی متوجه شما نخواهد کرد. در مورد آن دارودسته ای که پیش از این به نور الهی پشت کرده بودند گمان می‌کنم این جماعت نیز هرآینه بخواهند به هر خار و خسی متشبث شوند؛ در آن صورت آنها نیز به همان اندازه در ظلمات محض فرو خواهند رفت که جستجوگران سراب یا نورهدایت دروغین قرآن.^۱

راس براین باور بود که مسیحیان پروتستان راستین نباید نگران نشر قرآن در بین همدینان خود باشند، چرا که مطالب قرآن یارای ضربه زدن به ایمان و اعتقادات آنها را ندارد. جماعت پیروان کرامول (Cromwellians) نیز نباید نگران این امر باشند، چرا که آنها خود پیش از این

1. *The Alcoran of Mahomet*, A3r.

دچار ظلمات و ضلالت شده‌اند و قرآن نیز چیزی نیست جز نوع دیگری از ضلالت که آنها اگر بخواهند می‌توانند به آن نیز متوسل شوند. به اعتقاد راس پیروان کرامول درست همانند ترکهای مسلمان آنچه‌ان از نظر اعتقادات مذهبی سست بودند که اجازه انتشار دیدگاه‌های مخالف خود را نمی‌دادند. منظور راس از این اظهارات این بود که اگر پادشاه انگلستان زنده می‌بود، در آن صورت وی اصلاً نگران چاپ این کتاب نمی‌شد و اتباع بریتانیا نیز از ترجمه این متن اسلامی هراسی به دل راه نمی‌دادند، چرا که دین آنها با بودن پادشاهی آنچه‌ان پارسا و پرهیزکار از هر گزندی محفوظ بود. اما اکنون چون پادشاه در قید حیات نیست، مردم نگرانند که مبادا قرآن به پشتوانه امپراطوری قدرتمند عثمانی، و استفاده از فرصتی که اغتشاش ملی و عدم تمرکز در انگلیس برای آن فراهم ساخته است، برای خود در انگلستان جای پای باز کند. راس پس از به پایان رساندن مقدمه خود بر ترجمه قرآن، به سراغ متن قرآن رفت. در این مورد، وی دقیقاً از دوریه پیروی کرد، ولی دو کار دیگر نیز انجام داد که یکی افزودن فهرست مطالب به ترجمه قرآن و دیگری درج تعداد هر یک از آیه‌ها در آغاز هر سوره بود که البته هیچ یک از این دو کار را دوریه انجام نداده بود. او ترجمه خود را به صورت لفظ به لفظ از فرانسه به انگلیسی انجام داد، و حتی ارجاعات حاشیه ترجمه را نیز (که برگرفته از تفسیر جلالین و کتاب التئویر بود) به همان ترتیب به انگلیسی برگرداند. می‌دانیم که این دو اثر اخیر الذکر پربسامدترین منابع مذکور در ترجمه دوریه بوده‌اند. راس حواشی بسیار اندکی را از خود بر متن ترجمه اضافه کرده است که از بین آنها می‌توان به عبارات ندایی مانند «O Mahomet» (در بیان «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی») اشاره کرد. به طور کلی سبک کار راس در سراسر ترجمه دور از ادب، خشن و غیر قابل انعطاف بود.

با این همه، تفاوت کار راس با دوریه در پایان ترجمه به چشم می‌خورد. راس دو بخش با این عناوین بر ترجمه خود اضافه کرد: «حیات و ممات محمد» و «هشدار ضروری مترجم به آن دسته افرادی که مایلند بدانند از قرآن چگونه می‌توانند در جهت خواسته‌های خود استفاده کنند، و نیز به کسانی که می‌خواهند با خطرات مطالعه متن قرآن آشنایی داشته باشند». این دو بخش پس از چاپ متن ترجمه قرآن (ولی پیش از ارسال آن به صحافی) به ترجمه اضافه شده بودند، چرا که ظاهراً شماره صفحه‌های این بخشها با شماره صفحات متن ترجمه قرآن هماهنگی ندارد و کاغذ آن صفحات نیز از جنس دیگری است. تصمیم راس برای

افزودن این دو بخش ظاهراً به این دلیل صورت گرفته تا مواضع خود را توجیه کند. بخش «حیات و مemat محمد» حاوی چندین افسانه در مورد حضرت پیامبر است که در آنجا راس به صورتی افسارگسیخته تعصبات خود در باب اسلام و مسلمانان را بیان کرده است. در بخش «هشدار ضروری مترجم...» نیز وی کوشیده است تا مقامات طرفدار کرامول را به نوعی مورد حمله و هجوم قرار دهد:

من کاملاً آگاهم که ممکن است انتشار قرآن برای برخی خطرآفرین و برای برخی دیگر مایه آبروریزی تلقی گردد؛ خطرآفرین برای خوانندگان متن و مایه آبروریزی برای مقامات حاکم یعنی همانهایی که با اظهار تنفر از چاپ و نشر این اثر و با بازجویی از ناشر، خود را وجیه المله نشان داده اند؛ ولی در مورد خطرآفرینی این اثر، من خواهم کوشید نظرات و اصول فکری خود را بیان کنم.^۱

در ادامه، راس هیجده اصل فکری خود را مطرح کرده و همان موضوعی را تکرار می کند که پیش از آن در بخش «سخن مترجم با خوانندگان مسیحی» به آن پرداخته بود؛ یعنی بیان اینکه مطالعه قرآن هیچ گونه خطری متوجه مؤمنان راستین نخواهد کرد. وی سپس با لحنی طعن آمیز این پرسش را مطرح می کند که چرا مقامات مملکتی می خواهند جلوی انتشار متنی عربی را بگیرند، در صورتی که قرآن به «همان زبانی نوشته شده که در مدارس و دانشگاه ها تدریس می شود و تعداد زیادی از افراد نیز مشغول فراگیری آن زبان هستند. مگر نه اینکه عربی به این دلیل تدریس می شود تا از طریق آن بتوانیم با قوانین و دین مسلمانان آشنا شویم؟» این اظهارات نشان می دهد که راس با ابعاد و گستردگی مطالعات عربی و اسلامی در فرانسه و هلند (دو رقیب عمده انگلیس در تجارت با امپراطوری عثمانی) آشنایی داشته و از این فرصت استفاده کرده تا سیاست سانسور کرامول را مسخره کند؛ یعنی همان سیاستی که مطالعه مطالب تمدنهای دیگر را که انگلستان به مدت بیش از یک قرن با آنها جنگیده یا تجارت کرده بود، ممنوع می دانست. راس سپس به بررسی شیوه جدیدی از نقد دینی - اجتماعی قرن هفدهم اروپا اقدام می کند که بر اساس آن، نویسندگان مسیحی به منظور انتقاد از وضعیت موجود در عالم مسیحیت مواضع خود را از دیدگاه فردی مسلمان بیان می کردند. به عنوان مثال، وی در اصل فکری پانزدهم خود می گوید که در قرآن آیات و عباراتی وجود دارد (و در دین اسلام نیز چنین ویژگیهایی به چشم می خورد) که بر اساس آن وجود فرقه های

۱. این نقل قول و نقل قولهای بعدی برگرفته از بخش «هشدار ضروری مترجم...» دارای شماره صفحه نیستند.

گوناگون مسیحی در انگلستان شرم آور دانسته شده است:

اگر مسیحیان سعی می‌کردند دین اسلام و تاریخ مسلمانان را مورد مطالعه قرار دهند، در آن صورت قطعاً از مشاهده میزان و شدت پابندی مسلمانان نسبت به رعایت پارسایی، تقوا و شرکت در امور خیر، پیش خود احساس شرمساری می‌کردند و مسلماً از دیدن میزان مراعات نظافت، احترام و پارسامندی مسلمانان در محیط مساجد خود و حرف شنوی آنها از روحانیون مسلمان شگفت زده می‌شدند، چرا که حتی بزرگ‌ترین ترکها (مسلمانان) نیز تا با مفتی خود مشورت نکند اقدام به انجام کاری نخواهد کرد... مسلمانان در ایام روزه‌داری، مناسک خاص آن ماه را دقیقاً به جامی آورند، آنها نسبت به یکدیگر بسیار مهربان و بخشنده‌اند و میزان حساسیت مثبت آنها نسبت به افراد غیر خودی را می‌توان در بیمارستان‌هایشان مشاهده کرد. بیمارستان‌هایی که هم برای افراد تهیدست و هم برای خارجیها برپا شده‌اند.

اظهارات فوق نشان دهنده حمله شدید اللحن الکساندر راس به حکومت جدید آن زمان انگلستان است که به صراحت اعلام کرده بود مسلمانان نسبت به مسیحیانی که پادشاه کشور خویش را به قتل رسانده‌اند از همه جهت برتری دارند. راس به بهانه متن قرآن با حاکمیت مشترک المنافع در انگلیس درافتاد. البته این نکته که هدف اصلی راس از ترجمه قرآن به انگلیسی همین موضوع بوده یا خیر، چندان روشن نیست. اما در هر حال با توجه به شکایتی که علیه وی و چاپ‌کننده اثر تنظیم شده بود، از فرصت استفاده کرده و این امر را بهانه قرار داده تا از آن طریق سیاست سانسور حکومتی را مورد سرزنش قرار دهد، گو اینکه خود وی از به‌کارگیری این سیاست علیه فرقه‌های دینی دیگر خشنود بود. وی قرآن را به عنوان نمونه‌ای از نوعی هرج و مرج فکری و دینی وانمود می‌کرد که در آن هرج و مرج، فرقه‌ها فرصت رشد و گسترش می‌یابند. در هر صورت، گرچه ممکن است هدف اولیه راس آشنا ساختن خوانندگان انگلیسی با قرآن بوده، اما در مجموع از این اثر برای نشان دادن سستی بنیان نظام سیاسی جدید انگلیس استفاده می‌کرد.

به هر حال، علی‌رغم نادرستی قسمتهایی از ترجمه راس و نیز تعصبات وی، *The Alcoran of Mahomet* (قرآن محمد) در انگلستان شهرت فراوانی یافت، و اگرچه در سال ۱۶۴۹ فقط یک چاپ از این قرآن وجود داشت، بعدها دو چاپ مکرر دیگر نیز از آن وارد عرصه بازار شد که خود نشان دهنده میزان نفوذ و گسترش آن نزد خوانندگان انگلیسی است (تنها تفاوت بین آن دو چاپ این بود که یکی در ابعاد ۱۷ سانتی متری چاپ شده بود و دیگری در ابعاد ۱۹ سانتی متری). شواهد فراوانی موجود است که نشان می‌دهد نویسندگان و

□ ۵۵ الکساندر راس و نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم

اندیشمندان تمام فرقه‌های دینی، قرآن ترجمه شده الکساندر راس را مورد مطالعه قرار داده و یا در آثار خود به آن اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، می‌توان از ساموئل هارتلیب (Samuel Hartlib) نام برد. هارتلیب در مجله *Ephemerides*، شماره ژانویه - ژوئن سال ۱۶۴۹، به اثری اشاره می‌کند که علی‌الظاهر همان ترجمه انگلیسی قرآن الکساندر راس است، هرچند وی مشخصاً نامی از راس ذکر نکرده است؛ آنجا که می‌گوید: «کتاب *Alcoran* توسط یکی از دوستان آقای وال (Wahl) که آثار دیگری را نیز از فرانسه به انگلیسی برگردانده، به زبان انگلیسی ترجمه شده است»^۱. در تاریخ دوم ماه مه ۱۶۴۹ جان دوری (John Dury)، خبرنگار و دوست هارتلیب نیز در جای دیگری به همین مطلب اشاره کرده است «اخیراً کتاب قرآن (*Alcoran*) به انگلیسی منتشر گردیده است»^۲. اما نکته مهم این است که هیچ کدام از این دو اشاره‌ای به نام راس و یا کیفیت ترجمه متن نکرده‌اند و شاید دلیل این امر آن بوده که با توجه به جنجال‌های پیرامون این اثر، آنها موفق به دیدن اصل اثر نشده بودند. با این همه، یکی از متکلمان مستقل به نام ناتانیل هومز (Natahaniel Homes) این قرآن را با دقت مورد مطالعه قرار داده و در سال ۱۶۵۳/۵۴ در یکی از آثار خود با عنوان *The Resurrection Revealed* در چند جا به سوره‌هایی از این ترجمه اشاره کرده است، از جمله دوبار به سوره آل عمران، سه بار به سوره نساء و نیز به سوره‌های مائده، یونس، رعد، ابراهیم، حجر، نحل، کهف و مریم.^۳ یک سال پیش از آن، در سال ۱۶۵۲، ردیه‌ای که با عنوان *the Moor* در اواخر قرن پانزدهم میلادی علیه اسلام به قلم یوهانس آندریاس (Johannes Andreas) نوشته شده بود، توسط فردی به نام جاشوا ناتستاک (Joshua Natstack) ترجمه شد. وی در مقدمه ترجمه‌اش خاطرنشان کرده بود که از نظر ارجاعات، بین این قرآن و قرآن ترجمه الکساندر راس تفاوت‌هایی وجود دارد، چرا که قرآن‌های موجود از نظر سوره‌ها و تعداد آیات وضعیت یکسانی ندارند.

«با توجه به چابهای متفاوت، شماره سوره‌ها و تعداد آیات با یکدیگر تفاوت دارد؛ به همین دلیل نقل قول‌هایی که از قرآن در مباحث زیر آمده است، با ترجمه‌های سابق انگلیسی قرآن همخوانی

1. *HP*, 31/22/9B.

2. *HP*, 4/1/25A-28B.

3. Nathaniel Homes, *The Resurrection Revealed* (London, 1654), 418.

ندارد».^۱

مطالب فوق، خود گواه محدودیت منابع اطلاعاتی پژوهشگران انگلیسی علاقه‌مند به ردیه نویسی بر اسلام است، چرا که می‌دانیم همین کتاب جزو منابعی بوده که در مجادلات ضد اسلامی قرن هفدهم مورد استفاده فراوانی قرار می‌گرفته است. مثلاً می‌دانیم که هنری مور (Henry More) به عنوان رهبر افلاطونیان کمبریج، این متن را به دقت مورد مطالعه قرار داده و کنسلات آدیسون (Lancelot Addison) نیز در سال ۱۶۷۹ به عنوان نگارنده کتاب وضعیت صدر اسلام، یا ماجرای زندگی مؤلف قرآن و اصول اعتقادی دجال اسلام

The First State of Mahumedism: or an Account of the Author and Doctorines of that Imposture

ترجمه قرآن راس را خوانده بوده است.^۲ یکی از عرب شناسان هلندی به نام گلیوس (Golius) نیز ظاهراً قصد داشته این قرآن را به هلندی ترجمه کند، هرچند وی هیچ‌گاه موفق به انجام آن نشد، ولی شخص دیگری به نام همفری پرایدو (Hampfrey Prideaux) که در پایان قرن هفدهم کتابی بسیار ضد اسلامی را به رشته تحریر درآورده بوده، به صورت غیرمستقیم از آن نام برده است.^۳

در همین حال، جرج فاکس (George Fox) نیز که از پیروان فرقه کویکرها (Quaker) به حساب می‌آمد، با دقت بسیار ترجمه قرآن راس را مورد مطالعه قرار داده و به صورت گسترده‌ای در مناظره با پادشاه الجزیره (King of Algiers) از آن استفاده کرده بود.^۴ تقاضا و تمایل نسبت به این ترجمه قرآن چنان زیاد بود که در سال ۱۶۸۸ چاپ دیگری از *Alcoran*

1. Joshua Natstock, *The Confusion of Muhamed's Seet, or A Confutation of the Turkish Alcoran* (London: Blunden, 1652), C1v.

2. Henry More, *An Explanation of the Grand Mystery of Godliness* (1660), 158; Lancelot Addison, *The First State of Mahumedism* (1679), 39.

3. J. Burgman, «Arabic Scholarship» in *Leiden University in the Seventeenth Century*, ed. Th. H. Lunsingh Scheurleer and G. H. M. Posthumus Meyjes (Leiden: E. J. Brill, 1975), 210; Prideaux, *The True nature of imposture fully displayed in the life Mahomet... offered to the consideration of the deists of the present age* (1679, 2nd ed.)

4. See my «Some Notes on George Fox and Islam,» *The Journal of the Friends' Historical Society*, 55 (1989): 271-76.

□ الکساندر راس و نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم ۵۷ □

راس در انگلستان به بازار عرضه گردید. این چاپ دقیقاً همان متن قبلی است و فقط مطالب بخش مقدمه آن بازاریابی شده و دو بخش «حیات و ملمات محمد» و «هشدار ضروری مترجم...» (که در چاپ قبلی در پایان ترجمه جای داده شده بود) به ابتدای اثر منتقل شده و از یک مقدمه بسیار مجمل و کلی تبدیل به مقدمه‌ای مفصل شده است که اطلاعاتی مفید و جالب توجه در اختیار خواننده قرار می‌داد تا از آن طریق با اسلام آشنا شود.^۱ در سال ۱۶۹۸ یکی از وعاظ منطقه نیوانگلند (آمریکا) به نام کاتن میتر (Cotton Mather) «جملاتی از القرآن» (یا به تعبیر راس کتاب مقدس ترکها) نقل قول می‌کند.^۲ و به این ترتیب قرآن انگلیسی از اروپا به آمریکا راه یافت.

خوانندگان اهل انگلستان و اهالی نیوانگلند آمریکا به ترجمه قرآن راس علاقه‌مند شدند و هرچند برخی از آنها احتمالاً متوجه نارساییهای آن ترجمه نمی‌شدند، گروهی دیگر از آنها یقیناً متوجه این نقیصه شده بودند. در هر حال، این وضعیت، هم نشان دهنده علاقه روزافزون مردم به مطالعات خاورشناسی در انگلستان بود، و هم حکایت از آن داشت که نقد ترجمه راس از دید بسیاری از افراد پنهان نمانده بود. هنری استاب (Henry Stubbe) که در دهه ۱۶۷۰ موفق به نوشتن نخستین زندگینامه بیطرفانه از پیامبر اسلام شده بود، از ترجمه‌های راس و دوریه چنین انتقاد کرده است:

ترجمه‌های انگلیسی ما از قرآن براساس ترجمه‌های فرانسوی است، ولی باید دانست که ترجمه فرانسوی بسیار نامناسب است، چراکه در بسیاری از موارد عبارات قرآنی را حذف و در موارد دیگر آنها را تحریف کرده است.^۳

استاب، راس را به خاطر اینکه فکر می‌کرده بدون آشنایی با زبان عربی و بدون بهره‌گیری از تفسیرهای عربی، فارسی و ترکی می‌تواند قرآن را به انگلیسی ترجمه کند مورد تمسخر قرار می‌دهد. به گفته استاب: «ناآگاهی یا عدم تمایل راس در زمینه آشنایی با این منابع باعث شده تا مطالبی را به حضرت محمد نسبت دهد که محمد به هیچ وجه اشاره‌ای به آنها نکرده

1. *The Alcoran of Mahomet* (London: Randal Taylor, 1688).

2. Cotton Mather, *A Pastoral Letter to the English Captives in Africa from New England* (Boston, 1698), 8.

3. Henry Stubbe, *An Account of the Rise and Progress of Mahometanism with the Life of Mahomet*, ed. Hafiz Mahmud Khan Shairani (Lahore Sh. Muhammad Ashraf, 1954), 159.

است.^۱ استاب همچینین از راس انتقاد کرده که چرا در حواشی ترجمه خود صرفاً ارجاعات مربوط به کتاب التویر و تفسیر جلالین را اضافه کرده است، چرا که راس نه نشانی دقیق صفحات ارجاعی را ارائه کرده و نه به خواننده اطلاع می‌دهد که آیا این متون دارای ترجمه‌های لاتینی نیز هستند یا خیر.^۲

نویسندگان دیگر نیز یا خود را نسبت به ترجمه راس بی‌اعتنا نشان می‌دادند و یا می‌کوشیدند از اهمیت آن بکاهند. به عنوان مثال، سامویل هارتلیب در نشریه *Ephemerides* از یکی از خاورشناسان اروپایی به نام بانکل (Bunckle) نام می‌برد که «می‌کوشد تا *Alcoran* را به لهجه عامیانه و با استفاده از حواشی مبتنی بر منابع و مراجع منتشر سازد».^۳ در مکاتباتی هم که وی -بعدها با یکی از دوستانش به نام ورتینگتون (Worthington) که بعدها به مقام استادی کالج عیسی (Jesus College) کمبریج رسید - به عمل می‌آورد، از نیاز به نوعی ترجمه مناسب قرآن یاد می‌کند که به تعبیر او می‌بایست هم منطبق با ویژگیهای زبان عربی و هم مبتنی بر تفاسیر مسلمانان باشد. وی در هیچ یک از مکاتبات خود اشاره‌ای به رضایت خاطر خود از ترجمه الکساندر راس نکرده است. در واقع، او یک بار در نامه‌ای که در سال ۱۶۵۹ به ورتینگتون می‌نویسد، به وی پیشنهاد می‌کند تا یوهانس هوتینگر (Johannes Hotinger) -از اساتید زبان عربی دانشگاه لایدن در قرن هفدهم (۱۶۲۰-۱۶۶۷) - قرآن را به لاتین ترجمه

1. Ibid.

۲. منظور از تفسیر جلالین، تفسیری است که توسط دو تن به نامهای جلال الدین محلی (۱۳۸۹-۱۴۵۹ م) و جلال الدین سیوطی (۱۴۴۵-۱۵۰۵ م) نوشته شده است. این دو تن توضیحات و تفاسیری بر آیات قرآن نوشته و آن مجموعه را تفسیر جلالین نام نهادند. این تفسیر بعدها در جهان اسلام از مقبولیت فراوانی برخوردار گردید. در این مورد نگاه کنید به:

Brockelmann, *Geschichte der arabischen Literature*, II, 113, 138)

شاید منظور از کتاب التویر، شروع و حواشی قازآبادی بر تفسیر بیضاوی موسوم به تنویر البصائر بانوار التنزیل (Brockelmann, *Suppl.* II 113, 138) باشد. در مورد این ارجاعات، از عایشه موسی و رودپیترز (Ruud Peters) به خاطر راهنماییهایشان سپاسگزارم. [گفتنی است نام کامل این اثر تنویر البصائر بانوار التنزیل و توفیر السرائر بأسرار التأویل، و مؤلف آن ابوالنافع احمد بن محمد بن اسحاق القازآبادی الرومی متوفای ۱۱۶۳ ق است. از این تفسیر، نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های جهان موجود است، اما هنوز چاپ مصححی از آن انتشار نیافته است. (ویراستار)]

3. *HP*, 31/22/9B, *Ephemerides*, 1648, Part 1.

□ الکساندر راس و نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم ۵۹ □

کند تا شاید از این رهگذر، مطالب قرآن برای اروپاییان قابل درک و فهم گردد.^۱ نکته مهم اینکه هوتینگر نسخه‌ای از قرآن به عربی در اختیار داشت که آن را در کنار تفسیر بیضاوی مورد مطالعه قرار می‌داد.^۲ وی امیدوار بود شاید نسخه‌ای از قرآن به دست آورد که کسی همچون هوتینگر آن را فراهم کرده باشد، چرا که از نظر او هوتینگر در زمینه پژوهشهای خاورشناسی صاحب صلاحیت بود.^۳ چند ماه بعد نیز ورتینگتون موافقت کرد تا قرآن به زبانی فراگیر و شناخته شده مانند لاتین ترجمه شود.^۴ او طی نامه‌ای که در تاریخ سوم ژوئن ۱۶۶۱ به هارتلیب نوشت، نیاز به مطالعه و بررسی دقیق منابع یهودی و اسلامی را مورد تأیید قرار داد:

اگر مسیحیان اطلاعات درست تری راجع به نحوه برخورد با یهودیان و مسیحیان داشته باشند، در آن صورت این امکان برای آنها فراهم خواهد شد تا با متن میشنای تلمود [در فقه یهود] و قرآن مسلمانان آشنا گردند.^۵

در مورد اینکه راس چقدر از واکنش دیگران نسبت به نامناسب بودن ترجمه خود و بی‌توجهی در آن آگاهی داشته اطلاعات چندانی در دست نیست، اما وی در یکی از آثار خود با عنوان: *Pantheism, or a View of all Religions in the World... Together with a Discovery of all Known Heresies* (که چهار سال پس از چاپ قرآن خود، آن را منتشر کرد و در قرن هفدهم چندین ترجمه هلندی، فرانسوی و آلمانی نیز از روی آن صورت گرفت)، کوشید پاره‌ای کاستیهای کار قبلی خود را جبران کند. راس با توجه به اینکه به سبب عدم استفاده از تفاسیر مسلمانان در نوشته‌های خود مورد انتقاد قرار گرفته بود، این بار کوشید با بهره‌گیری از توضیحات حاشیه‌ای وام گرفته از بوریوس (Borrius)، لانیکروس (Lanicurus)، نولس (Knolles)، کمکراریوس جوویوس (Camcrarius Jovius)، مناوین (Menavine)، نیکولائوس نیکولای (Nicholaus Nicholai)، سپتمکاسترنیس (Septemcastrenis) و دیگران، نارساییهای قبلی را بر طرف سازد، گو اینکه هیچ یک از نویسندگان فوق الذکر مسلمان

1. John Worthington, *The Diary and Correspondence of Dr. Worthington*, ed. James Crossley (The Chetham Society, 1867), I, 181.

2. Addison, *The First State of Mahumedism* (London, Will Crook, 1678), 51.

3. Worthington, *Diary*, I, 182.

4. *Ibid.*, I, 243.

5. *Ibid.*, I, 320.

نبودند.^۱ این شیوه عمل نشان می‌دهد که راس در زمینه مطالعات عربی و قرآنی پیشرفتی حاصل نکرده بوده و شاید حتی متن قرآنی را که قبلاً ترجمه کرده به فراموشی سپرده بوده است، چرا که در یک مورد اعلام می‌کند: «یگانه نسخه قرآن که در میان مسلمانان متداول است ۱۲۴ سوره دارد».^۲ حال آنکه ترجمه قرآن خود وی به طور صحیح شامل ۱۱۴ سوره بود.

در سال ۱۶۷۹، لسنلات آدیسون اقدام به انتشار کتاب وضعیت صدر اسلام کرد و در آن در مورد اینکه در زبانهای اروپایی ترجمه و چاپ مناسبی از قرآن وجود داشته باشد ابراز تردید کرد،^۳ چرا که به اعتقاد وی هیچ یک از ترجمه‌های موجود قرآن در آن زمان ترجمه مناسبی نبود. آدیسون سپس با بی‌اعتنایی به ترجمه راس کوشید تا مانند جان لاک و توماس تینسون از ترجمه اصلی دوریه (در فرانسوی) استفاده کند.^۴ در آغاز قرن هجدهم گروهی از خاورشناسان بریتانیایی همچون ادوارد پوکاک (Edward Pococke, the Son)، سایمن آکلی (Simon Ockley)، جان هیوز (John Hughes)، ریچارد پارکر (Richard Parker) و گروهی

1. *Pansebeia or, A View of All Religions in the World* (London John Williams, 1675), 162 ff.

بورویوس یا آندریاس بوریوس (۱۵۶۵-۱۶۳۰) متکلم هلندی؛ نولس یا ریچارد نولس، مؤلف کتاب بسیار مشهور *The General History of Turks* که نخستین بار در سال ۱۶۰۳ در استانبول به چاپ رسیده و بعدها نیز چندین بار تجدید چاپ شده و با اضافاتی به خوانندگان ارائه گردیده است. جوویوس یا پائولو جیویو (۱۴۸۳-۱۵۵۲) نگارنده کتابی با عنوان: *Commetario de la cose de turchi* (1533)؛ نیکولوس نیکلای جهانگرد فرانسوی که سفرنامه او در باب امپراطوری عثمانی در سال ۱۵۸۵ با این عنوان به انگلیسی ترجمه و انتشار یافت:

The Navigations, Peregrinations and Voyages, made into Turkie by Nicholas Nicholay ... Translated out of the French by T. Washinhton the younger.

2. *Pansebeia*, 163.

3. Addison, *The First State*, 49.

4. *Ibid.*, 3. For Locke, see my «John Loche and the "Turbanned Nations"», *Journal of Islamic Studies*, 2 (1991): 67-77.

توماس تینسون که قرار بود سراسقف کانتربری شود در کتاب خود با عنوان:

Of Idolatry: A Discouse in which is endeavoured A Declaration of, Its Distinction from Superstition (London, 1678),

از متن ترجمه لاتینی قرآن استفاده و به تحقیقات پوکاک، هوتینگر و سلین (ص ۱۴۳-۱۴۴) اشاره می‌کند، اما هیچ‌گاه از راس نامی نمی‌برد.

□ ۶ | الکساندر راس و نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم

دیگر اقدام به انتشار تاریخچه‌ها و ترجمه‌های فراوانی از عربی کردند، اما ظاهراً هیچ کدام این صلاحیت را در خود احساس نکردند که دست به ترجمه قرآن بزنند، چرا که این کار احتیاج به آنچنان توانایی علمی و زبانی داشته که از آغاز گسترش رنسانس در اروپا هیچ اروپایی عربی‌شناسی، حداقل در انگلستان، به سراغ انجام آن نرفته بود. در واقع این وظیفه دشوار به جرج سیل (George Sale) رسید که در سال ۱۷۳۴ ترجمه قرآن خود به انگلیسی را عرضه کرد؛ ترجمه‌ای که علی‌رغم پاره‌ای کاستیها باید آن را تلاشی صادقانه برای ترجمه هرچه صحیح‌تر متن قرآن به انگلیسی تلقی کرد. جرج سیل حتی در عنوان ترجمه خود نشان داده که با ترجمه الکساندر راس آشنایی داشته، چرا که وی در جایی از مقدمه ترجمه قرآن خود می‌گوید: «قرآن را معمولاً قرآن محمد (*The Alcoran of Mahomet*) می‌نامند» و می‌داند این عنوان دقیقاً همان تعبیری است که در عنوان ترجمه قرآن الکساندر راس به چشم می‌خورده است. ولی در هر حال، وی در مقدمه اثر خود ترجمه راس را اینچنین مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد:

ترجمه انگلیسی موجود چیزی نیست جز ترجمه‌ای از روی نسخه فرانسوی دوره که اتفاقاً ترجمه بسیار نامناسبی است، چرا که الکساندر راس (یعنی مترجم فرانسه به انگلیسی) با عربی اصلاً آشنایی نداشته و تسلط آنچنان زیادی بر زبان فرانسه نیز نداشته است و به همین دلیل، او نیز اشتباهاتی دیگر به اشتباهات دوره اضافه کرده است. البته این همه صرف نظر از سخیف بودن زبان ترجمه اوست که باعث شده تا یک کتاب خوب و مناسب به کتابی مسخره تبدیل شود.^۱

انتقادی این‌گونه شدید، آن هم از سوی یکی از اساتید طراز اول عرب‌شناسی آن عصر، برای بدنام کردن ترجمه راس کافی است. اما با این همه تا بیش از نیم قرن، یعنی تا سال ۱۸۰۶ ترجمه قرآن الکساندر راس نه تنها در اروپا بلکه در آن سوی اقیانوس اطلس (ایالات متحده آمریکا) نیز مرتباً تجدید چاپ می‌شد. جالب توجه اینکه نخستین چاپ آمریکایی قرآن (بر اساس تبلیغ روی جلد اثر) متأسفانه از چاپ قبلی بریتانیایی بدتر بود، و عنوان کامل روی جلد آن به این قرار بود:

1. George Sale, *The Koran Commonly Called The Alcoran of Mohammed. Transtated into English from the Original Arabic* (London: Frederck Warne, n.d.) viii. For a study of Sale, see Shreen Khairallah, «Geroge Sale and his Circle, 1697?-1736 », *The Near East School of Theology: The Theological Review*, 9 (1988): 7ff.

The Koran Commonly called The Alcoran of Mahomet, Translated from the Original Arabick into French. By the Sieur de Ryer... The Whole now faithfully translated into English.^۱

این چاپ توسط آیزایا توماس پسر (۱۷۷۳-۱۸۱۹) صورت گرفت که خود در شهر بوستن آمریکا و در دیگر شهرهای منطقه نیوانگلند به شغل کتابفروشی و چاپ و انتشار سالنامه اشتغال داشت. پدر وی، آیزایا توماس، نیز از مجموعه‌داران آثار عتیقه بود و علاقه شدیدی به تاریخ ادیان داشت. دلیل اینکه چرا توماس به جای ترجمه سیل، ترجمه الکساندر راس را برای انتشار در آمریکا برگزید چندان روشن نیست، هرچند عنوان روی جلد اثر نشان می‌دهد که او در واقع نیمه نخست ترجمه قرآن جرج سیل را گرفته و سپس دنباله عنوان ترجمه راس را بر آن افزوده است. توماس همچنین پانوشتهایی را به ترجمه اضافه کرده، در پاره‌ای موارد حاشیه‌نویسی‌های الکساندر راس را به پانوشته برگردانده و در مواردی دیگر به طور کلی آنها را حذف کرده است. افزون بر این، وی تمام مقدمه و پی‌نوشت‌های جزئی و فرعی راس را نیز حذف نموده است. همچنین در این چاپ از ترجمه قرآن سیل، بخش کوچکی با عنوان «با خواننده» آمده که حاوی اطلاعاتی دقیق در مورد قرآن و مسلمانان است که راس آنها را در ترجمه خود نیاورده بود. از جمله آن توضیحات می‌توان این اظهارات را مثال زد: «قرآن با بت پرستی مخالف بوده و به ویژه با بت پرستی ساکنان مکه و یا با بت پرستی قبیله قریش مخالفت کرده است... قرآن با عنوان «الفرقان» نیز شناخته شده که این واژه به معنای «متمایز کننده خوبی از بدی است». در هر صورت، لحن مقدمه جدید بسیار منفی است و نشانه‌هایی از موضع‌گیری‌های خصمانه راس را در خود دارد.

تأثیر ترجمه قرآن انگلیسی الکساندر راس بر جامعه انگلیسی زبان را نباید دست کم گرفت. متن انگلیسی این قرآن با همه تعصبات مترجم و با همه اغلاط موجود در آن، در نیمه دوم قرن هفدهم و تا سالهای آغازین قرن هجدهم تنها منبع اصلی آشنایی خوانندگان مسیحی با اسلام و قرآن به شمار می‌آمد. طبعاً هر خواننده‌ای با مطالعه مقدمه و توضیحات آن، دیدگاهی بسیار منفی نسبت به اسلام در خود احساس می‌کرد، ولی در هر صورت در

۱. چاپ آمریکایی این قرآن توسط انتشارات هنری بروور (Henry Brower) برای آیزایا توماس جونیور و در شهر اسپرینگفیلد (Springfield) آمریکا صورت گرفت.

الکساندر راس و نخستین ترجمه انگلیسی قرآن کریم ۶۳ □

مقابل، متن دیگری وجود نداشت. ترجمه فرانسه دوره و ترجمه ایتالیایی قرآن هردو غیر دقیق و حاوی اشکالات فراوانی بودند. وضعیت ترجمه قرآن رابرت کتونی (Robert of Ketton) - نیز که به زبان لاتین قرون وسطایی چندین مرتبه در قرن شانزدهم به چاپ رسیده بود - با دو ترجمه پیشین تفاوتی نداشت. نکته قابل توجه اینکه تعداد دستنویس‌ها یا نسخه‌های قرآن عربی موجود در انگلستان در آن زمان بسیار محدود بود و همان تعداد محدود نیز در کتابخانه‌های یکی دو دانشگاه معروف نگهداری می‌شد. هنوز قرن هفدهم به پایان نرسیده بود، یعنی دقیقاً در سال ۱۶۴۹ بود که نخستین چاپ عربی قرآن در هامبورگ به همت یکی از خاورشناسان آلمانی به نام آبراهام هینکلمن (Abraham Hincklemann) و با عنوان *Al-Coranus s. lex Islamica Muhammedis* انتشار یافت، ولی به احتمال بسیار زیاد این چاپ فقط می‌توانست مورد استفاده متخصصان و کارشناسان قرار گیرد.

جنبه موفقیت‌آمیز راس در ترجمه قرآنش این بود که توانست نه تنها با خوانندگان متخصص و کارشناس، بلکه با خوانندگان عامه و غیرمتخصص نیز ارتباط برقرار کند. یقیناً کار الکساندر راس چه از نظر جسارت ورزی دینی و چه از نظر علاقه شخصی قابل تحسین است. در واقع، به رغم کیفیت ضعیف ترجمه قرآن راس، تا پیش از وی هیچ شخص دیگری موفق به انجام چنین کاری نشده بود. از سوی دیگر، وی از میزان استقبال گسترده خوانندگان انگلیسی زبان از ترجمه قرآن به خوبی آگاهی داشت، و جای شگفتی نیست که می‌بینیم پس از عرضه این ترجمه به بازار کتاب، قرآن به گفتمان فرهنگی جامعه انگلیس راه می‌یابد؛ یعنی از همان زمان است که بسیاری از شعرا، متکلمان و سیاستمداران مسیحی از قرآن نام می‌برند، گاه همراه با تحسین و تجلیل و گاه به نوعی دیگر. اما در هر صورت، نکته مهم این است که آنان مرتباً از قرآن نام می‌برند، و حتی پس از ۱۶۴۹، استفاده از واژه انگلیسی Koran در مقایسه با واژه قدیمی تر Alcoran رواج بیشتری پیدا می‌کند. سخن پایانی اینکه ترجمه الکساندر راس از قرآن، - چه خوب و چه بد - باعث شد تا قرآن در انگلیس قرن هفدهم به جزئی نمایان از منابع و مراجع مورد استفاده جامعه انگلستان تبدیل شود.

■